

حقوق تجارت

بطور کلی حقوق را بدو قسمت تقسیم نموده اند :

۱- حقوق خارجی یا بین المللی و آن نیز شامل

دو قسمت است :

الف - حقوق بین المللی عمومی که روابط دول

جداگانه را بی یکدیگر تنظیم مینماید

ب - حقوق بین المللی خصوصی که روابط افراد

دول جداگانه را از حیث معاملات و رفتار نسبت یکدیگر

تنظیم مینماید

۲- حقوق داخلی یا خصوصی و آن نیز بدو قسمت

تقسیم شده است :

الف - عمومی

ب - خصوصی

حقوق عمومی عبارت از مجموعه قواعد و مقرراتی

است که طرز حکومت و تشکیلات آنرا معین و روابط

آنرا نسبت با افراد آن جامعه تحت نظم قرار میدهد مثل

حقوق اساسی

حقوق خصوصی عبارت از قواعدی است که روابط

خصوصی بین افراد را از حیث مناسبات حقوقی و شخصی

تنظیم مینماید مثلا روابطی که بین افراد در نتیجه خرید

و فروش یا بخشیدن اموان در زمان حیات یا تملیک کردن

مالی بعد از فوت ایجاد میشود

حقوق تجارت رشته از حقوق مدنی است که قسمتی

از حقوق خصوصی داخلی میباشد

برای حقوق تجارت نمیتوان يك تعريف جامعی

قائل شد ولی ممکن است گفته شود حقوق تجارت مجموعه

قواعدی است که روابط بین افراد را از حیث اشتغال

و حال آنکه در ایران و فرانسه تصمیمات محکمه تمیز و
 و کودو کاسسیون، (۳) چنین تأثیری ندارد و معذانه می توان
 گفت که تصمیمات مزبور نسبت به مجموعه قوانین يك کشوری
 بکلی خالی از اثر باشد

۴- استفتاءات حقوقی و نظریات قضائی - نظریه

اشخاص متبحر در امور حقوقی و قضائی هر چند امروز

نسبت بقوانین جاریه کمتر تأثیر دارد ولی نسبت بقوانین

گذشته ملاک و مدرك است مثل « رپونسا پرودنتیوم » (۴)

در قوانین روم و استفتاءات حقوقی در قوانین اسلام که

اغلب در حاشیه کتب حقوقی ذکر شده است - حتی در

انگلستان نظریه اشخاص مثل « براکتن » (۵) و « بلاک

ستون » (۶) نسبت بقوانین مربوطه بعمل خود گاملا نافذ و

مورد قبول محاکم فعلی است

فقههای آلمان نظریات مزبور را تحت عنوان

« یوریستن رشت » (۷) در مجموعه حقوقی خود گنجانده اند

۵- قوانین موضوعه - احکام و مقررات و قواعدی

که از طرف مقامات صلاحیت دار برای رفع احتیاجات عامه

وضع میشود

حقوق هر ملتی بسته بسلیقه و نظر نویسندگان

حقوقی آن ملت بتقسیمات مختلفه تقسیم شده است ولی

طریقه ای که ذیلا مشروح میگردد نسبت به سایرین بیشتر

معمول است

Cour de Cassation (۳)

Responsa Prudentium (۴)

Bracton (۵)

Blackstone (۶)

Juristenrecht (۷)

آنها با امور تجارتي تنظيم مينمايد بنا برين قوانين تجارتي مربوط بحقوق و تكاليفي است كه در نتيجه معاملات تجارتي بين اشخاص ايجاد ميشود

مثلا وقتي كه مردم مبادرت بخريد و فروش نموده يا بنحوه ديگري نسبت باشياء بين خود قرارداد مي-گذارند باینوسيله تحصيل حقوق قانوني براي خود نموده و نسبت باشياء مذکور وارد در تعهداتي ميشوند يا وقتي كه عده نسبت بعمليات خود در امور تجارتي با اشخاص ديگر تعهداتي مي نمايند باین وسيله روابط قانوني بين يكدیگر تأسيس ميکنند .

حقوق تجارتي حقوق و تكاليف و تعهدات مزبور را تحت نظام در آورده و مقرراتي نسبت بانها وضع مي نمايد كه بوسيله محاكم بموقع اجراء گذارده ميشود

اشخاص حقوقی

چنانچه در گذشته ذكر شد حق عبارت از اختيارات قانوني اشخاص است بنا برين حق متعلق بشخص و مربوط باشياء ميباشد باین معني كه در نظر قانون شخص دارنده وصاحب حق محسوب و اشياء متعلق حق ميباشند اشياء متعلق حق ندرتاً محسوس و قابل لمس نبوده و ممكن است غير قابل لمس نيز باشد مثل حق تأليف، حق اختراع و امثال آن .

علما و استادان حقوق صاحب حق يا شخص را از نقطه نظر حقوقی باین عبارت تعريف کرده اند كه شخص عبارت از هر موجودی است كه قانوناً استعداد تصاحب حق يا اتيان بتكاليفي را داشته باشد .

بنا برين هر موجودی كه واجد شرائط مزبور باشد اعم از انسان يا غير انسان در نظر قانون شخص محسوب است «سامون» نويسنده معروف انگليسي اشخاص قانوني را بطور كلي باین عبارت تعريف کرده است كه «يك شخص قانوني عبارت از هر ذاتي است كه قانون براي او شخصيت قانوني يا شخصيت غير واقعي قائل شده است» اشخاص بطور كلي بدو قسمت تقسيم شده اند

۱- اشخاص طبيعي

۲- اشخاص حقوقی

۱- اشخاص طبيعي - شخص طبيعي يعنى انسان يك موجود حيه واقعي كه دارای اشياء طبيعي بوده و قوانين از لحاظ استعداد تصاحب حق آنرا برسميت شناخته است و بمناسبت همين اصل است كه بعقيده برخي از نويسندگان حقوقی قوانين روم براي برده شخصيتي قائل نبوده است زيرا برده استعداد تصاحب حق را نداشته عليهذا برده را در طبقه اشياء محسوب داشته و آنرا متعلق حق دانسته است همان طريق كه ممكن است يکنفر آدم در نظر قانون شخصيت قانوني نداشته باشد نيز ممكن است كه در يکنفر آدم قانوناً دو شخصيت مختلف جمع شود مثل ولي كه يك شخصيت باعتبار وجود خود دارد و شخصيت ثانوي كه باعتبار ولايت احراز نموده است .

۲- اشخاص حقوقی - شخص حقوقی جسم قابل لمس خارجي ندارد و شخصيت او غير واقعي و از اين لحاظ او را شخص مصنوعي يا شخص غير واقعي و شخص معنوي نيز ناميده اند

شخصيت حقوقی اشخاص مزبور در نتيجه تبع و بذل و بخشش حقوقی بمرصه ظهور رسیده است

مبداء و منشاء اين فکر كاملاً معلوم نيست ولي آنچه مسلم و محقق است در قوانين روم هر چند بصراحت امروزه شخصيت اشخاص غير واقعي رسميت نداشته ولي شبه شخص طبيعي كه نزديك بفكر جديد است موجود بوده است و در ايران فكر مزبور بوسيله قانون تجارتي معرفي شده است .

پيدایش اشخاص حقوقی مزبور بطور كلي زماني واقع ميشود كه عده از افراد براي انجام مقاصد رسمي يا تأسيسات اجتماعي يا اتحادييه هائي دور هم گرد آمده و قانون هم حقوقی يك شخص طبيعي را حتى المقدور درباره جماعت مزبور مرعي ميدارد .